

جنگ انگلستان با ایران و چین

نویسنده: فریدریش انگلس
مترجم: دکتر سیروس سهامی

ایران، گاردها و فوج‌های مقدم را روئید و از عرصه‌ی نبرد خارج کرد.

برای آگاهی از میزان توانایی‌های این سواره‌نظام منظم هندی، کافی‌ست به کتاب **کاپیتان نولان**^۳ در این زمینه مراجعه کنیم. این سواره‌نظام از دید افسران انگلیسی - هندی، فاقد هرگونه اعتبار نظامی بود و در مرتبه‌ی بی‌مراتب فرودست‌تر از سواره‌نظام نامنظم انگلیسی - هندی قرار داشت. کاپیتان نولان نتوانسته به یک مورد موفق در کارنامه‌ی عملیاتی این سواره‌نظام در گذشته

اشاره کند و شگفت آن‌که ششصد تن از همین قوای ناکارآمد موفق شدند ده هزار نفر از سپاه ایران را منظم سازند. هراسی که این سواره‌نظام در میان ارتش منظم ایران پدید آورد چندان بود که سوای فوج توپخانه، این ارتش در هیچ موضعی از خود مقاومت نشان نداد. در محرمه سپاه ایران خود را در پناه توپخانه از عرصه‌ی مخاصمه بیرون نگاه داشت و به مجرد خاموش شدن آتشبارها، دست به عقب‌نشینی زد و هنگامی که انگلیسی‌ها یک گردان شناسایی مرکب از سه هزار تفنگدار و پانصد تن سواره‌نظام نامنظم را در کرانه‌های ایران پیاده کردند، سپاه ایران رو به هزیمت نهاد و سلاح و بار و بنه‌ی خود را نه در دست ارتش پیروزمند - زیرا اطلاق چنین نامی به هیچ روی براننده‌ی چنان ارتشی نبود - بلکه در دست مهاجمان رها کرد.

با این حال این سخن بدان معنا نیست که ایرانیان را به چین و بزدلی بتوان متهم کرد و زبان به نکوهش آنان گشود و یا از سر نومیدی از رواج تاکتیک‌های اروپایی در میان ساکنان مشرق‌زمین انصراف حاصل کرد. جنگ روسیه با ترک‌های عثمانی در فاصله‌ی سال‌های ۱۸۰۶-۱۸۱۲ و ۱۸۲۸-۱۸۲۹ بیانگر نمونه‌های بسیار از این شمار است. مقاومت‌های اساسی در برابر قوای روسیه در شهرهای دارای استحکامات و در ایالات کوهستانی اتفاق افتاد. در عوض هر بار که این قوا در نواحی پست روستایی با دشمنان درگیر می‌شد، سپاهیان منظم ترک در برابر روس‌ها از هم فرو می‌پاشیدند و در مواردی بسیار به

ارتش منظم جدید ایران هیچ‌گاه مجال آن را نیافت که سازمان‌دهی نیروهای خود را در عرصه‌ی نبردی واقعی در معرض آزمون قرار دهد. تجارب این ارتش به لشکرکشی‌هایی چند علیه کردها، ترکمن‌ها و افغان‌ها منحصر می‌شد، قومیت‌هایی که هسته‌ی اصلی و یا ذخیره‌گاه بسیاری از رده‌های سازمانی سواره‌نظام نامنظم ایران را تشکیل می‌دادند و همه‌گاه بار اصلی نبرد را بر دوش می‌کشیدند، در حالی‌که تلاش ارتش منظم ایران بیش‌تر مصروف آن می‌شد که جلال ظاهری خود را در برابر چشمان دشمن به تماشا بگذارد. باری، بالاخره نبرد با انگلستان آغاز شد.

انگلیسی‌ها به بوشهر حمله بردند و در آن‌جا با مقاومتی دلیرانه، اما ناکارآمد روبه‌رو شدند. این ارتش منظم ایران نبود که در کارزار بوشهر علیه مهاجمان می‌جنگید، بلکه بخشی از ساکنان فارس و عرب تبار ساکنان محدوده‌های ساحلی بودند که در برابر مهاجمان دست به مقاومت برداشته بودند. سپاه منظم ایران که در هنگامه در شصت مایلی بوشهر، در میان تپه‌سارها موضع گرفته و در حال آرایش بود، سرانجام به حرکت درآمد.

سپاه انگلیسی - هندی در نیمه‌راه به دیدار آن شتافت و با وجودی که شیوه‌ی کاربرد توپخانه‌ی ایرانیان غرورآفرین می‌نمود و آرایش پیاده‌نظام بر پایه‌ی اصولی کاملاً مورد تایید صورت گرفته بود، نخستین حمله‌ی هنگ سواره‌نظام هندی، تمامی سپاه

□ لندن، ۲۲ مه ۱۸۵۷

انگلیسی‌ها هنوز جنگی را در غرب آسیا به پایان نبرده، نبرد دیگری را در شرق این قاره آغاز کرده‌اند.^۱ مقایسه‌ی میان مقاومت ابراز شده از سوی ایران و چین در برابر تهاجم انگلستان، نشان از تباینی آشکار میان طبایع این دو کشور دارد. در ایران سازمان‌دهی فرایند نظامی به شیوه‌ی اروپایی، در واقع پیوندی بوده است بر درخت کهن سال یک توحش و بی‌فرهنگی آسیایی. در عوض در چین، نیمه تمدن فرسوده و پوسیده‌ی دیرسال‌ترین حکومت جهان، در جهت صیانت از منابع خود به مقابله با گزند قدرت‌های اروپایی برخاسته است. ایران شکستی نمایان را تجربه کرده است، در حالی‌که چین نیمه تجزیه شده، بر نظامی از مقاومت دست یافته که اگر به فرجامی فرخنده بینجامد، تکرار عملیات پیروزمند نخستین جنگ با چین را برای انگلستان نامیسر خواهد کرد.

ایران در گیرودار نبرد با قوای انگلیس، در وضعیت و شرایطی مشابه با آن‌چه که ترکیه‌ی عثمانی در جریان جنگ ۱۸۲۸ - ۱۸۲۹ علیه روسیه با آن روبه‌رو بوده به‌سر می‌برد.^۲ افسران انگلیسی، فرانسوی و روسی، یکی پس از دیگری، سازمان‌دهی ارتش ایران را برعهده گرفتند. این نظام‌ها بر اثر رشک‌ورزی‌ها، دسیسه‌چینی‌ها، بی‌خردی‌ها، آزمندی‌ها و فسادهای مشرق‌زمینی که مقرر بود به کسوت افسران و سربازان اروپایی درآیند، پیاپی با شکست مواجه شد.

مجرد برخاستن صدای نخستین شلیک، سربازان فرار اختیار می‌کردند. در حالی که در عوض، یک فوج از سپاه نامنظم عثمانی، هفته‌ها در برابر حملات روسیه پایداری کرد و در آخرین جنگ میان دو کشور ارتش منظم عثمانی همه‌گانه، چه در نبرد اولتینیا Oltenia و ستانه‌آ Cotatea و چه در جنگ‌های قارص و اینگور بر ارتش روسیه فائق آمد.

واقعیت آن است که معمول داشتن شیوه‌های سازمان‌دهی نظامی به شیوهی اروپایی در میان ملت‌های وحشی و تقسیم و تجهیز و آموزش ارتش جدید به روال اروپا هنوز در بدایت کار خود است. از سوی دیگر به اجرائیهات مقرر نظامی اروپایی نیز لزوماً استقرار یک انضباط نظامی اروپایی را به دنبال نمی‌آورد، هم‌چنان که موازین و مقررات آموزش اروپایی به نوبه‌ی خود سبب به‌کار گرفتن تاکتیک‌ها و استراتژی‌های اروپایی نخواهد شد. اصلی‌ترین و در عین حال دشوارترین کار در این میان پیدایی گروهی از افسران و درجه‌داران است که بر مبنای یک نظام اروپایی مدرن آموزش دیده باشند و از پیش‌داوری و تعصبات دیرسال و از خاطرات ملی در امور نظامی برکنار بمانند و قادر باشند، روح برخاسته از مقتضیات یک زندگی جدید را در کالبد سپاهیان تازه بدمند. دستیابی به این هدف البته مستلزم صرف اوقات بسیار و مقابله‌ی ناگزیر با مخالفت‌های سخت سرانه از سوی ناآگاهان، ناشکیبایان، داوری‌های تعصب‌آمیز شرقی و بی‌ثباتی و تزلزل در برابر ثروت و برخوردار شدن از توجهات دربارهای سلطانی مشرق‌زمین است. شاه و یا سلطان به مجرد آن‌که سپاهیان‌شان قادر باشند در مراسم «سان» به درستی از برابرشان رژه برونند و بی‌آن‌که اختلالی در انتظام خویش بدید آورند، تغییر امکان دارد، به گردهم جمع آیند و یا به خوبی از هم دور شوند، دیگر رغبت چندانی نسبت به ارتقای سطح کیفی سپاه خود ابراز نمی‌دارند. و اما مدارس نظامی در واقع میوه‌هایی‌ست که چندان به کندی روبه رسیده شدن می‌گذارد که با توجه به بی‌ثباتی دامنگیر دولت‌ها در مشرق زمین، امید چندانی به ثمرنشدن آن‌ها در فرجام کار نمی‌رود. حتا در ترکیه، شمار افسران آموزش‌دیده، بسیار اندک است و ارتش عثمانی در جریان آخرین نبرد، بدون یاری گرفتن از بسیاری از تازه‌مسلمانان بازگشته از مسیحیت و برخوردار یاری افسران اروپایی قادر نبوده است از ماجرای رخت به سلامت بیرون کشد.

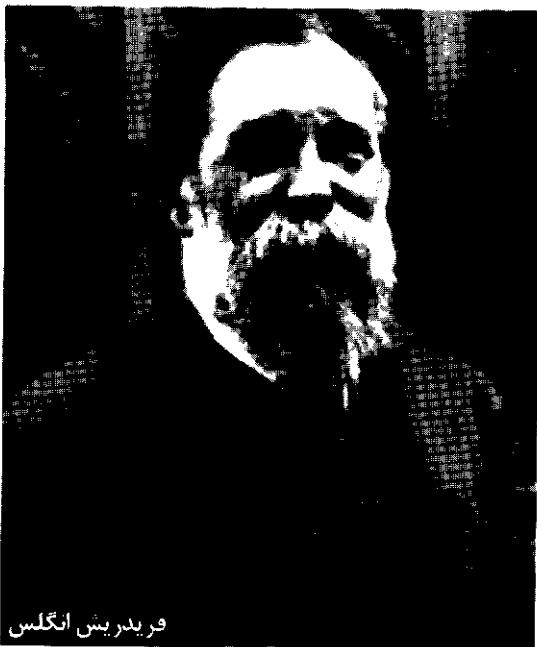
اما توپخانه تنها رسته‌ی‌ست که مردم مشرق‌زمین از به‌کار گرفتن آن یکسره ناتوان‌اند. ناکارآمدی آنان چنان است که این مهم را به ناگزیر به معلمان اروپایی خود وانهاده‌اند. از این رو بوده است که دسته‌ی توپخانه در ایران و ترکیه، آشکارا بر سواره‌نظام و پیاده‌نظام برتری داشته است.

بدیهی که در شرایطی این‌چنین، ارتش انگلیس - هندی، یعنی قدیمی‌ترین ارتش مشرق‌زمین که براساس یک سازمان‌دهی اروپایی برپا داشته شده و تنها ارتشی است که به جای فرمانبرداری از حکومت‌های مشرق‌زمین، به یک مدیریت منحصرآ اروپایی وابسته است و عموماً از سوی افسران اروپایی هدایت می‌شود، توانسته است به آسانی بر ایرانیان چیرگی یابد، ارتشی که از سوی سپاهیان انگلیس و یک نیروی

دریایی نیرومند مورد حمایت قرار داشته است. ناکامی نمایان ایرانیان در جنگ در نهایت می‌تواند به مصلحت آنان بوده باشد. آن‌ها نیز نظیر ترکان عثمانی سرانجام درخواست یافت که لباس‌های متحدالشکل اروپایی و احراز آمادگی برای حضور در رژه‌های نظامی طلسم معجزتی نیست که به خودی خود گره از کار فروبسته‌ی آنان بگشاید. البته این امکان دور از ذهن نیست که آنان نیز طی بیست سال آینده به سازمان‌دادن ارتشی توفیق یابند، به هول‌انگیزی ارتش عثمانی طی پیروزی‌های اخیرش در برابر ارتش روسیه.

در خبر است که گردان‌هایی که به فتح بوشهر و محمره نایل آمده‌اند، بی‌درنگ به جبهه‌ی چین گسیل داشته شده‌اند. آنان در این کشور با دشمنی کاملاً از قماش متفاوت روبه‌رو خواهند بود. آنان به‌عوض رزمایش‌هایی به شیوه‌ی اروپایی، با آرایش نامنظم توده‌های آسیایی درگیر خواهند بود. جای هیچ شبهه‌ی نیست که این ارتش بدون رویارویی با دشواری‌های صعب به انجام ماموریت خویش توفیق نخواهد یافت. چه اتفاقی روی خواهد داد چنان‌چه چینی‌ها علیه آن‌ها جنگ میهنی را به راه‌اندازند و اگر توحش، فقدان ملاحظه‌کاری و خویش‌داری را به آن‌جا برساند که این مردم علیه مهاجمان به سلاح‌هایی متوسل شوند که تنها خود از چگونگی کاربرد آن آگاهی دارند؟

بی‌شک چینی‌ها هم‌اکنون از روحیه‌ی به کلی متفاوت با آن‌چه در جریان جنگ‌های ۱۸۴۰-۱۸۴۲ از خود نشان دادند برخوردارند. در آن ایام مردم چین انسان‌های آرامی بودند، دل‌خوش به این‌که سربازان امپراتوری دفاع از آنان را علیه مهاجمان خارجی عهده‌دار خواهند بود و در صورت شکست رضا به داده می‌دادند و به سابقه‌ی سرنوشت‌باوری مشرق‌زمینی خود به سلطه‌ی بیگانه‌ی پیروزمند گردن می‌نهادند. اما امروز، دست کم در ایالات جنوبی چین که آتش جنگ در آن تاکنون محدود بوده، توده‌ی مردم نقشی فعال و گاه تعصب‌آمیز در نبرد علیه بیگانگان بر عهده می‌گیرند. آنان با قصد قبلی دست به مسموم کردن نان سربازان انگلیسی مقیم هنگ‌کنگ زده‌اند (در قطعاتی چند از این نان‌ها که برای آزمایش به لیبیگ فرستاده شده، مقادیری ارسنیک وجود داشته که گویا پیشاپیش آن را با خمیر نان آمیخته بوده‌اند. اما مقدار سم چنان بسیار بوده که با ایجاد تهوع فراوان از آسیب آن کاسته شده است. چینی‌ها با سلاح‌هایی که پنهانی وارد کشتی‌های بخار کرده‌اند، اغلب در طول راه خدمه‌ی کشتی و مسافران اروپایی را کشتار می‌کنند و کشتی را به تصرف خود درمی‌آورند. اروپایی را هرچا بیابند ربوده و به قتل می‌رسانند. حتا باربران چینی که به قصد مهاجرت سوار کشتی‌های ویژه‌ی مهاجران می‌شوند دست به شورش برمی‌دارند. برای تصرف کشتی دست به سلاح می‌برند و به جای تسلیم چه بسا که به همراه کشتی به اعماق اقیانوس فرو می‌روند و یا به کام شعله‌های آتشی که خود برافروخته‌اند از پای درمی‌آیند. حتا خارج از چین مستعمره‌نشین‌های چینی که همواره از فرمان‌بردارترین اتباع کشورهای محل اقامت خود بوده‌اند، دست به دسیسه‌ورزی‌ها و قیام‌های ناگهانی شبانه می‌زنند؛ نظیر آن‌چه که در گذشته در ساراواک و در سنگاپور رخ داد و تنها با اعمال



فریدریش انگلس

از سوی دیگر یک هجوم پیروزمند علیه پایتخت، بنیادهای امپراتوری چین را به لرزه در خواهد آورد، فروپاشی پادشاهی تسینگ را شتابی تازه خواهد بخشید و راه را نه برای پیشرفت قوای انگلستان، بلکه برای تحکیم سلطه‌ی روس‌ها بر این سرزمین هموار خواهد کرد.

جنگ جدید چین و انگلیس چندان پیچیده و سنگین است که پیش‌بینی‌های روالی که اوضاع به خود خواهد گرفت مطلقاً ناممکن به نظر می‌رسد. کمبود نفرات به مدت چند ماه و فقدان تصمیم‌گیری برای مدت زمانی طولانی‌تر موجب بی‌عملی کامل ارتش انگلیس خواهد شد، البته به استثنای نقاطی چند که در اوضاع و احوال کنونی فاقد اهمیت نظامی شمرده می‌شوند و کانتون جزئی از آن‌ها به حساب می‌آید.

آنچه در این میان قطعی‌ست آن است که زمان پایان حیات چین کهن ریشه به شتاب فرامی‌رسد، جنگ داخلی پیش‌تر جنوب را از شمال امپراتوری جدا کرده بود. کانتون تاکنون علیه انگلیسی‌ها و سایر خارجی‌ها مستقلاً دست به جنگ زده است. هم‌زمان با تجمع سپاهیان بریتانیایی و فرانسوی در هنگ‌کنگ، قزاق‌های روسی مستقر در مرزهای سیبری نیز به آهستگی، اما با اطمینان خاطر، در راستای خطی که از کوه‌های دائور آغاز می‌شود و تا کرانه‌های رود آمور امتداد می‌یابد پیش می‌آیند و توپخانه‌ی دریایی روسیه استحکامات باشکوه بنادر منچوری را در محاصره‌ی خود گرفته است.

به نظر می‌رسد که خشک‌اندیشی چینی‌های ساکن جنوب نیز در نبرد علیه خارجی‌ها، از خطر عظیمی که چین باستانی را به انهدام تهدید می‌کند غافل مانده است. همه چیز حکایت از آن دارد که ما در آینده‌ی نزدیک شاهد احتضار دیرسال‌ترین امپراتوری‌های جهان و بردمیدن طبیعه‌ی عصری نو خواهیم بود که پنجره‌های خود را به روی تمامی آسیا خواهد گشود. (مندرج در شماره‌ی ۵۰۳۲ روزنامه‌ی نیویورک دیلی تریبون، به تاریخ ۵ ژوئن ۱۸۵۷) ■

قهر و خشونت شعله‌های آن خاموش شد. این چنین رخدادهایی در واقع بر اثر اعمال سیاست‌های ویژه‌ی دزدان، از سوی حکومت بریتانیا پدید می‌آید، اعمالی که آتش نبردی همه‌گیر را علیه تمامی خارجی‌ان فروزان نگاه می‌دارد و خصلت کارزاری ویرانگر به خود می‌گیرد.

در مقابله با مردمی که به کاربرد چنین وسایلی علیه دشمن مبادرت می‌ورزند، از یک ارتش منظم چه کاربرمی‌آید؟ چنین ارتشی کی و به چه میزانی می‌تواند در سرزمین به تصرف درآمده نفوذ کند و چه‌گونه می‌تواند مدت زمانی دراز چنین سرزمینی را در اختیار داشته باشد؟ سوداگران تمدن که این چنین گلوله‌هایی از آتش بر فراز یک شهر بی‌دفاع فرو می‌ریزند و همه‌گاه تجاوز را به کشتار می‌افزایند آیا قادرند از دست یازیدن به شیوه‌هایی بزدلانه، فجیع و وحشیانه خرسند باشند و سعی در توجیه آن کنند؟ چینی‌ها نیز در مقابل از مبادرت‌ورزیدن به هر وسیله‌ی که پیروزی آنان را مسلم کند ابایی ندارند. وقتی بریتانیایی‌ها آن را وحشی می‌پندارند، بگذارید تا از پیامدهای وحشی‌گری آنان به کفایت بهره‌مند شوند! اگر اقدام چینی‌ها در غافل‌گیر کردن، ربودن و کشتار بی‌دریغ دشمنان‌شان را بزدلانه بخوانیم، سوداگران تمدن - هم‌چنان که خود به آن معترفاند - نباید از یاد ببرند که چینی‌ها با کاربست شیوه‌های جنگی متداول قادر به مقابله با سلاح‌های رعب‌آور و مخرب اروپایی آنان نیستند.

به جای نگوهرش برخاستن سفاکی‌های چینی‌ها، آن‌چنان که مطبوعات اشراف‌منش انگلیسی از آن یاد می‌کنند، بهتر نیست بپذیریم که نبرد چینی‌های علیه قوای مهاجم، جنگی است میهنی به‌منظور صیانت از دوام ملیت چین و به‌رغم تعصب‌های یک ابرقدرت در برابر ناآگاهی و وحشی‌گری آنان یک جنگ مردمی به حساب می‌آید و در یک جنگ مردمی وسایل و شیوه‌های به‌کار گرفته شده از سوی مردمی عاصی را نمی‌توان بر حسب مقررات شناخته شده و طرز رفتار در یک جنگ و با تکیه بر معیارهای انتزاعی دیگر مورد ارزیابی قرار داد؟ معیار در این عرصه، درجه‌ی تمدن ملتی‌ست که دست به قیام زده است.

باری این باره انگلیسی‌ها در موقعیتی خطر‌آفرین و دشوار قرار دارند. تا این لحظه به نظر نمی‌رسد که خشک‌اندیشی ملی چینی توانسته باشد از حد ولایات جنوبی چین که در «قیام بزرگ»^۵ حضور نداشته‌اند، فراتر رود. البته کانتون می‌تواند به کلی به ویرانی کشیده شود و نواحی ساحلی یک سره به تصرف قوای انگلستان درآید، اما تمامی نیروهایی که ممکن است بریتانیایی‌ها بتوانند گرد آورند، برای تصرف دو ایالت گوانگ‌تونگ و کوانگ‌سی و تداوم سلطه‌ی بر آن‌ها کفایت نمی‌کند سرزمین‌های واقع در شمال کانتون تا شانگهای و نانکن هم‌چنان در اختیار شورشیان چینی است و تنها اقدامی که می‌تواند نتیجه‌ی قطعی به بار آورد حمله به پکن پایتخت چین خواهد بود. اما کو ارتشی که بتواند یک پایگاه مستحکم عملیاتی پدید آورد و از توانایی‌های لازم برای گسترش نبرد در نواحی ساحلی برخوردار باشد، نیرویی که قادر باشد با ظاهری قدرتمند در پای استحکامات شهری حاضر شود که به اهمیت لندن است و از محل پیاده‌شدن نیروهای خودی حدود صد کیلومتر فاصله دارد؟

۱- مقصود از نخستین نبرد، جنگ ایران و انگلیس در سال‌های ۱۸۵۶-۱۸۵۷ / ۱۲۲۵-۱۲۲۶ بر سر هرات و دومین کارزار، «جنگ تریاک» در سال‌های ۱۸۵۶-۱۸۵۸ / ۱۲۲۵-۱۲۲۷ با چین است که به بهانه‌ی جدال میان نمایندگان انگلستان و مقامات چین در کانتون اتفاق افتاد. محاصره‌ها که با وقفه‌هایی چند همراه بود تا ژوئن ۱۸۵۸ به درازا انجامید و با عقد عهدنامه‌ی نین‌تسین پایان گرفت.

۲- جنگ روس و عثمانی در سال‌های ۱۸۲۸ و ۱۸۲۹ از سوی تزار نیکلای اول، امپراتور روسیه، به بهانه‌ی حمایت از مسیحیان یونان که در زیر سلطه‌ی عثمانی به سر می‌بردند، سازمان‌دهی شد. در آغاز نبرد سپاهیان عثمانی که به خوبی مسلح شده و بخشی از آن‌ها به وسیله‌ی کارشناسان نظامی اروپایی تجدید سازمان یافته بودند، در کرانه‌ی رودخانه‌ی دانوب در برابر ارتش ناماده‌ی روسیه دست به مقاومتی نمایان و پرتوان زدند (نبردهای سیلستر، شوملا و ورنای) با این حال حمله‌ی ۱۱ ژوئن ۱۸۲۹ روس‌ها، شیرازی سپاه عثمانی را از هم گسیخت. ترک‌ها به ناچار بر تمامی خواسته‌های روس‌ها گردن نهادند و به امضای عهدنامه‌ی ادیابارامیز اندری نوبل تن دادند.

۳- "Cavalry, its History and Tactics" اثر I. E. Nolan
اثر نخستین بار در ۱۸۵۱ به چاپ رسید.

۴- دستاویز بروز جنگ روس و عثمانی (۱۸۰۶-۱۸۱۲) که فرانسه مدام بر آتش آن دامن می‌زد، نقض مفاد عهدنامه‌های پیشین میان دو کشور از سوی عثمانی بود. جنگ که دیرزمانی بدون نتیجه دنبال می‌شد، در ۱۸۱۱ به نفع روسیه تغییر مسیر داد و حاصل آن انعقاد عهدنامه‌ی بخارست میان دو کشور بود.

۵- اشاره‌ی نویسنده به قیام تاپی‌پینگ است. چین در ۱۸۵۱ عرصه‌ی یک جنبش ضد فتودالی بود که به سرعت به یک جنگ دهقانی تغییر ماهیت داد. این قیام که از ایالت کوانگسی واقع در جنوب چین آغاز شده بود به شتاب سرساز ایالات مرکزی را در خود گرفت و دامنه‌ی آن تا بخش میانی و انتهایی رودخانه‌ی یانگ تسه رسید. شورشیان به زودی «پادشاهی آسمانی صلح بزرگ» «تاپی پینگ‌تان هو» را بنا نهادند و شهر نانکن را به پایتختی برگزیدند. تاپی‌پینگ‌ها دست به کشتار فتودال‌های منچو که بر چین استیلا داشتند زدند و مالیات مالکیت‌های اربابی را ملغی ساختند. این جنبش نیز نظیر دیگر قیام‌های دهقانی، به‌ویژه در مشرق‌زمین صبیغه‌ی مذهبی به خود گرفت و حمله به دیرها و روحانیان بودایی را که پشتیبان قدرت سلاطین منچو شمرده می‌شدند در دستور کار خود قرار داد. این قیام که آغازی از نبرد مردم چین علیه فتودالیسم و مهاجمان خارجی بود به لغو شیوه‌ی تولید فتودالی توفیق نیافت. سلطنت آسمانی به زودی طبقه‌ی اشراف و بزرگ‌مالکان خود را پدید آورد که دست در دست طبقات حاکمه‌ی جدید داشتند و این فی‌الحمله یکی از دلایل عمده‌ی زوال جنبش تاپی‌پینگ شمرده می‌شد. مداخلات بی‌برده‌ی انگلستان و ایالات متحده و فرانسه سهمگین‌ترین ضربات را به انقلاب وارد آورد. قدرت‌های خارجی در آغاز، زیر پوشش «بی‌طرفی» به یاری سلطنت منچو برخاستند و در ۱۸۶۴ با بیوسن به نیروهای فتودال چین، ارتشی آرنستند که قیام تاپی‌پینگ‌ها را به کلی درهم شکست.

رودکی و فراروان‌شناسی

امیر دانش‌زاده - تهران

بررسی شعر رودکی از دیدگاه فراروان‌شناسی مقوله‌ی است که تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است یا توجه به دامنه‌ی وسیع شخصیت رودکی و مشاهده‌ی عمق معنا در شعر او بر آن شدم تا با ارائه‌ی شواهدی به جامعیت این شاعر بزرگ در مباحث فراروان‌شناسی اشاره کنم. غم‌سنیزی: همان‌گونه که در مقوله‌ی فراروان‌شناسی تمام دانشمندان پاراسایکولوژیست تلاش می‌کنند تا انسان را از غم برهانند و راه‌های مبارزه با آن را توضیح دهند پدر شعر پارسی رودکی بزرگ در ابیاتی بسیار زیبا با شفافیتی شگفت‌انگیز به مبارزه با غم و راهکارهای از بین بردن آن پرداخته است. او می‌فرماید:

چهار چیز مر آزاده را ز غم بخرد
تن درست و خوی نیک و نام نیک و خرد
رودکی معتقد است رنج یا غم وجود خارجی ندارند و زایدی وجود آدمی است. یعنی به گفته‌ی فراروان‌شناسان زاویه‌ی دید انسان است که جلوه‌های شاد یا غم‌انگیز زندگی را ایجاد می‌کند و رودکی فقط در یک بیت آنچه این دانشمندان در کتاب‌هایی متعدد به کرات گفته‌اند با لطافتی بی‌حد می‌فرماید:

آفریده مردمان مر رنج را
دانشمندی چون دیل کارتگی «لئو باسکالیا» ژوزف مورفی، آنتونی رابینز و بسیاری دیگر در کتاب‌هایشان درباره‌ی انتخاب هم‌نشین و مصاحب مناسب که به شما انرژی دهد و شوق و عشق به زندگی را در وجودتان تقویت کند، سخن بسیار گفته‌اند و در این مقوله‌ی بزرگ پارسی‌گوی ما فرموده است:

با عاشقان نشین و همه عاشقی گزین
بها هر که نیست عاشق کم‌گوی و کم‌نشین
رودکی در بحث معاشرت و انتخاب دوست هم‌چنان که دانشمندان بزرگ فراروان‌شناسی بارها به آن پرداخته‌اند و تلاش کرده‌اند که بگویند پدیده‌ی مقایسه اساساً غلط است و هرگز خویش را با دیگران مقایسه نکنند تا دچار افسردگی و غمگینی نشوید می‌فرماید:

در به ز خودی نظر مکن غصه مخور
در کم ز خودی نظر کن و شاد بزی
رودکی معتقد است که زندگی را با همه‌ی فراز و نشیب‌هایش باید پذیرفت و به شادی سپری کرد؛ در غیر این صورت آدمی بازنده‌ی نبرد زندگی است. رودکی مقام انسانی را بالاتر از آن می‌داند که شایسته‌ی غم خوردن باشد و شأن روح را در خور پذیرایی نگرانی و اندوه نمی‌بیند. او فرموده است:

برای پرورش جسم جان چه رنجه کنم؟
که حیف باشد روح القدس به سگیانی
فراروان‌شناس بر این باور است که برقراری ارتباط با مخاطب نادان و تاثیرگذاری و نفوذ مثبت در او بالاترین هنر ارتباطات است و رودکی همین مفهوم را با ظرافتی زیرکانه در این بیت گنجانده است:

گر بر سر نفس خود امیری مردی
فراروان‌شناسان غالباً به شکر نعمت‌های موجود تاکید ورزیده‌اند و معتقدند که رضایت از وضعیت فعلی آدمی می‌تواند آرامش را برای او فراهم کند تا مطابق آن حال موج عظیمی از نعمت به سویش سرریز گردد. شاهد بسیار زیبایم شعر پرمغز رودکی است:

واجب نبود به کس بر افضال و کرم
روان‌شناسی ارتباطات یا NLP به طریق حیرت‌انگیزی با اشعار رودکی گره خورده در تمام کتاب‌های فراروان‌شناسان معتقدند که شاد زیستن هنر است.

رودکی نیز می‌گوید:
شاد زی با سپاه‌چشمان شاد
که جهان نیست جز فسانه و باد